

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

خالق داد پغمانی – مونشن

۰۶ جولای ۲۰۱۴

سجده بر خاک وطن

از آن جایی که خودم استعدادی در شعر و شاعری ندارم، اگر از دروغ اجتناب نمایم، باید بنویسم که فهم زیادی هم از صنایع شعری ندارم؛ مگر این بدان معنا نیست، که وقتی پای مطالعه شعری به میان آید «فرفرک» را از بالای آن گذشته و یا ظرفیت لذت بردن از آن را در خود احساس ننمایم.

عکس آن وقتی شعر خوب و چشمگیری به نظرم بخورد، آن را از دل و جان خوانده، می کوشم تا شاعرش را حین سرودن آن پارچه نزد خود مجسم نموده، ببینم که آیا آن شعر، بیان حال زمان زیست شاعر است و یا این که شاعر، پای از تحلیل زمانش فرا تر گذاشته چنان داهیانه پیشگویی نموده است، که اگر زمان سرودن شعر حذف گردد، هیچ کسی نتواند تعلق آن اثر را با زمان کنونی انکار نماید؛ یکی از آن پارچه هائی که گذشت زمان نمی تواند آن را کهنه نماید، این پارچه شعر بسیار زیبا و گویا از «ملک الشعراء بهار» می باشد.

ملک الشعراء بهار که اسم اصلی اش «محمد تقی» و در ۱۶ عقرب ۱۲۶۵ هجری مطابق ۰۷ نومبر ۱۸۸۶ تولد و در دوم ثور ۱۳۳۰ مطابق ۲۲ اپریل ۱۹۵۱ وفات نموده، این پارچه شعر را حدود ۴ دهه قبل از به قدرت رسیدن آخند ها در ایران و اخوان و طالب در افغانستان و ۶ دهه قبل از نغاره داعش در عراق، سروده است. تحلیل از کار برجسته شاعر از لحاظ صنایع را می گذارم برای آنانی که در این فن استاد اند، اما پیشگویی شاعر به ارتباط عملکرد، آخند، اخوان، طالب و داعش آنقدر بجا و دقیق است، که اگر زمان بروز نبوت را منتفی نمی دانستم، با سروصدا و یخن خود و دیگران را دریدن، می خواستم به اثبات برسانم که درجه ملک الشعراء بهار در پیشگویی بالاتر از تمام انبیای بنی اسرائیل می باشد و باید وی را رسول نامید.

وقتی این پارچه گویا را خواندم، حیف آمد، حالا که کار دیگری از من ساخته نیست، شما را نیز در بردن لذت با خود سهیم نساخته، خواندن آن را با شما نیز به اشتراک نگذارم. تنها توقع و تقاضائی که از خوانندگان چیز فهم و دراک پورتال دارم آن است، که وقتی «بهار» به عملکرد های مشخصی اشاره می کند، مجریان آن را خود نزدشان مجسم نمایند، مگر متوجه باشند که اگر تکلیف قلبی دارند، به این کار دست نزنند زیرا خطر سکتة قلبی از تجسم جنایتکارانی چون، ربانی، گلبدین، سیاف، ملاعمر، مسعود، عبدالله، غنی احمد زی، خمینی، خلخال، خامنه ای، امیرالمؤمنین جدید جهان اسلام البغدادی و دیگران، از امکان بعید نیست و در چنان صورتی نمی خواهم خسته به پای من شکسته و کسی بگوید:

«خدا ناوردیش می کد، آمدنی یک آدمه از خود پیش ساخت» این شما و اینهم عکسی از ملک الشعراء بهار و پارچه شعر زیبایش.



سجده بر خاک وطن

وطن امروز اسیر دو سه تن بی وطن است انهدام وطن از نکبت این چند تن است
این یکی لاشخور و آن دگری ، جغد سیاه این یکی مرده خور و آن دگری، گورکن است
آن شده پیش‌نماز چمن دانشگاه واقعاً قصه او قصه خر در چمن است
عطش قاضی اسلام بنام که چنین تشنه خون جوان و بچه و مرد و زن است
حاکم شرع به حیوان عجیبی ماند که دمش گاو و تنش خوک و سرش کرگدن است
هیأت حاکم ما هیأت خیرات خور است هیأت دولت ما دسته زنجیر زن است
روزگاری که وطن نزد کفن دزدان است عجبی نیست اگر مرده ما بی کفن است